

چگونگی برخورد طالبان با زنان

1. در این که حضور طالب خود سبب کم‌رنگ شدن نقش زنان است شکی نیست و آنها به صورت قانونی اینبار از حقوق اولیه خود محروم خواهد شد. زیرا طالبان بارها گفته اند، که حق تحصیل و حق کار زنان، در چهار چوب شریعت اسلامی محفوظ این خود می تواند شروع یک عقبگرد دیگر برای زنان افغانستان باشد. زیرا شریعت اسلامی در کشور های مختلف از قرائت های متفاوت برخوردار است و طالبان نیز در تمام این سالها نشان داد که قرائت آنها از شریعت، اسلام افراطی است که در این تفکر زن جایگاهی ندارد.

2. در تمام نقاط افغانستان همه مکاتب و دانشگاه ها را بسته نموده اند. در هرات یک سلسله مقررات را برای زنان وضع کرده اند و گفتند که دختران میتوانند تا کلاس ششم درس بخوانند.

یک تعداد زنان بکار رفتند اما متأسفانه آنها را دوباره به خانه ها باز گشتاندند.

یکی از پزشکان سرشناس زن که در هرات لابراتوار شخصی دارد و خود مدیریت آن را پیش می برد و دارای کارمندان آن زن و مرد می باشد می گوید: «من را با کارمندان زن لابراتوار خودم خانه نشین ساختند و طالبان گفتند تنها مردان کار نمایند و مدیریت آن فعلا به عهده یکی از کارمندان مرد می باشد».

چون قرار است در 6 سنبله مکاتب کشور از صنف اول تا ششم در تمام کشور یکسان آغاز بکار نمایند، تنها برای دختران کوچک اجازه داده شده. تا به مکتب بروند. برای دیگران از صنف ششم به بالا مقررات سختتر و شدیدتر شاید در نظر بگیرند و فعلا روی طرز العمل آن کار می نمایند که در اولویتش حجاب سرتا پا خواهد بود.

به این اساس در ولسوالیها (استان ها) ونقاط دور افتاده ی که از نظر رسانه های داخلی و خبر رساندن به رسانه جهانی دور اند، توانسته اند زنان را به چهار دیواری خانه ها اسیر سازند. در مراکز وولایات شهرها و بزرگ شهرها هنوز که هنوز است زنان را اجازه رفتن به کار نداده اند. حتا زنان در کابل خواستند در ارگ به اداره ی امور بروند آنها را از نزدیک دروازه ارگ به خانه هایشان بازگردانده اند وگفتند باید منتظر اعلان حکومت باشند.

شایعاتی وجود دارد که دختران را در ولسوالی ها از سنین 12-15 به نکاح جهادی درآورده اند و میآورند. دو روز قبل یکی از خبرنگاران آزاد (ناهید بشردوست) که برای تهیه ی گزارش به فرودگاه کابل رفته بود از طرف طالبان با قنذاق تفنگ بر صورتش ضربه وارد شده و مردم او را از محل به خانه اش رساندند.

در قسمت سوال دوم ، آنچه را که طالبان ملایم ارایه میکنند، ترس از آن دارند که مبادا جامعه جهانی آنها را به رسمیت نشناسند.

سختگیری هایشان زیادتر در ساحتی که دور از نظر جامعه جهانی است، اجرا میگردد. وعده های که در مورد زنان میدهند در یک دایره وسیع از شرعیت اسلامی و خیلی مبهم و نا معلوم است. همچنان در مورد مناسبات دیپلماتیک و روابط اقتصادی با دیگر کشورها بسیار محتاطانه است. از سبب که ضرورت به کمک اقتصادی دارند. اگر اینها به عمل خود متعهد باشند واضح تر از این صحبت می نمایند. آنها میخواهند ابتدا پایگاه خود را مستحکم سازند تا از جامعه جهانی طرد و منزوی نگردند. آنها به دنبال به رسمیت شناختن شان هستند در این جهت تلاش دارند.

3- عفو عمومی را که اعلان نمودند قابل باور نیست و فکر میکنم این یک نمایش موقتی است. رهایی مانند اسماعیل خان ، قیصاری، سلیمه مزاری ولسوال برای اینکه نشان دهند که در صدد انتقام نیستند. ولی شایعاتی هم هست که در ولایات، قبل از تسلط آنها، لست بزرگ کارمندان پولیس، امنیت ملی و نظامی را ترتیب داده وحتا می گویند در بسیاری ولایات ایشان را خانه به خانه جستجو مینمایند، خوشبختانه بسیاری آنها آگاه شده اند یا فرار نموده اند و یا مخفی شده اند.

4- متأسفانه در زیر پرچم طالبان تروریست، همه زنان در خطر هستند اما در رابطه با گروه های خاص از زنان، مانند زنان خبرنگار، زنان رسانه یی، زنانیکه در عرصه فرهنگی، اجتماعی و به ویژه در عرصه حقوق بشری زنان فعالیت نموده اند ، زنانیکه با نیرو های خارجی در دوایر کار نموده اند، اولتراز همه نسبت به مردان از نگاهی جنسیتی در معرض خطر قرار دارند ، . اگر این نکاح جهادی و دور ساختن دختران کوچک از نزد فامیل های شان در ولسوالی ها حقیقت داشته باشد باید جامعه جهانی در این مورد تحقیق نمایند و در مقابل این عملی زشت شان واکنیش نشان دهند. اصلن فکر نمودن در این مورد دردآور است که زنان در جنگ و صلح هزینه های سنگین را پرداخته و قربانی های زیاد داده اند. اگر چه شایستگی زیاد داشتند اما شدیدن از طرف جامعه مردسالار مصادره شدند و هم میشوند .

در مورد اقلیت های اثنیکی و مذهبی ، تنها در حدود 15 نفر هزاره در غزنی، در آستانه ی تسلط طالبان از طرف ایشان به قتل رسیده اند. اما نظر به تجربه ی قبلی از قتل عام هزاره ها و باورمندان مذهب شعیه که طالبان نموده اند نه تنها هزاره ها بلکه همه مردم هراس دارند .

5- جامعه جهانی باید رفتار طالبان را در مقابل زنان زیر زره بین قرار داده و فشارهای دفاع از حقوق بشری زنان را فراموش ننمایند. این اعمال فشار باعث میگردد تا در برخورد خود با زنان از قوانین انسانی قابل قبول جهانی استفاده نمایند

باید کمک به آن زنانی صورت گیرد که خود را در معرض خطر احساس می نمایند، و من فکر می نمایم که اولیت برای آنها یی داده شود که در معرض خطر قرار دارند. اگر چه این زنان، سرمایه این سرزمین هستند و

صدایی شان، صدای نیمه ی خاموش جامعه بوده و است. آنها با تمام خشونت های دوگانه ودشواری های مادی و روانی به ایستادند و خود را در عرصه های مختلف توانمند ساختند و از خود نشان دادند که خیلی قوی هستند، حیف است که تفکر آزادمنشانه شان برای رهایی انسان زن، جانهای شریں شان را از دست بدهند.

من به حیث یک مدافع حقوق بشری زنان از تمام نهاد های بزرگ جهانی و کشور بریتانیا خواهشمندم تا جان یک تعداد از زنانیکه دراین 20 سال وسالهای گذشته تحت تسلط مجاهدین و طالبان توانستند خود را برای خدمت و کار برای بهبود وضع مردم و به ویژه زنان وقف نمودند وفعلم نظر به این فعالیتهای شان در معرض خطر قرار دارند کمک جدی و فوری نمایند.

ما زنان فعال حقوق زن در خارج لیستی از زنان را آماده نموده ایم تا همیاری شما، زندگی آنها را از خطر نجات دهیم.

با ارادت

امیلیا اسپارتنک، مدافع حقوق زنان از سال 1965